



صورتبندی منابع قدرت در میراث تمدنی اسلامی: مطالعه موردی احادیث شیعه سید داوود موسوی؛ حمداله اکوانی؛ جاسب نیکفر^۳

۳۱

دوره ۸، شماره ۴، پیاپی ۳۱
زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۷/۲۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۱/۱۷

صص: ۳۱-۷

شاپا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



چکیده

نظریه قدرت از مسائل مهمی است که در تمدن سازی نوین اسلامی مورد پرسش گفت‌وگوهای رقیب قرار می‌گیرد. در نظریه سیاسی معاصر غربی قدرت عمدتاً شامل توانایی‌های قابل سنجش و مؤثر در اعمال اراده یکی بر دیگری است. در آموزه‌های فکری و میراث تمدنی شیعه می‌توان نظریه‌ای را صورت بندی کرد که قدرت را بر بستر ارزش‌های فرهنگی تعریف می‌نماید. در این مقاله رابطه ارزش‌های فرهنگی در زندگی روزمره به‌عنوان منبع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه بررسی می‌شود. از آنجا که «حدیث» پس از قرآن کریم مهم‌ترین منبع فهم نظام فکری شیعه و یکی از میراث‌های بزرگ فکری و تمدنی اسلامی است در این پژوهش ارزش‌های فرهنگی مطرح شده در روایات ائمه(ع) و رابطه آنها با مساله قدرت بررسی شده است. ابتدا تمام روایات مرتبط با قدرت جمع‌آوری شده و با روش نشانه‌شناسی روایاتی که دلالت بر ارتباط ارزش‌های فرهنگی و قدرت دارند تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در روایات شیعه ارزش‌های فرهنگی منبع اصلی قدرت هستند. ارزش‌های فرهنگی از طریق معنادهی زندگی روزمره به مثابه پرکنس‌های اجتماعی عمل می‌کنند. قدرت در تملک سلاطه گران نیست بلکه در سطح اجتماع منتشر است و همه اعضای جامعه به‌طور مشترک مقابل اعمال قدرت و مانع از شکل‌بندی فضای اجتماعی به نفع قدرت مخالف ارزش‌های شیعه می‌شده است.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های فرهنگی، منبع قدرت، قدرت اجتماعی، نظام‌معنایی، تمدن نوین اسلامی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

روایات شیعه یکی از موارث مهم تمدن اسلامی است. روایات شیعه را می‌توان بستر اصلی فهم و عمل فرد مسلمان در زندگی روزمره و از همه مهمتر بنیان شکل بندی نهادهای تمدنی شیعه در طول تاریخ دانست. بحث از ماهیت قدرت و نوع اعمال آن یکی از بحث‌های مهم فکری تمدن‌ها بوده است. در میراث فرهنگی و تمدنی شیعه و رکن مهم آن یعنی احادیث نیز بحث قدرت همواره مورد توجه بوده است. در مورد مسئله قدرت در روایات شیعه دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. از مجموع مطالعات دو برداشت قابل طرح است: در برداشت اول پژوهشگران از نوع نگاه به مساله قدرت در جریان فکری-تمدنی شیعه چنین گفته می‌شود که شیعه پس از ماجرای سقیفه بنی ساعده و نیز شهادت امام‌علی(ع) و امام‌حسین(ع) از قدرت فاصله گرفته و امامان شیعه پس از این رخدادها به مساله قدرت سیاسی نپرداخته‌اند و فقهای شیعه نیز در عصر غیبت چندان به مداخله در حوزه سیاسی رای نداده‌اند. این برداشت را می‌توان برداشت قدرت گریز نام نهاد. این برداشت با سیره امامان شیعه، اقتضائات زمانه، قیام‌های متعدد شیعه و تفکر سیاسی فقها در طول تاریخ رد می‌شود. برداشت دوم در نقطه مقابل دیدگاه اول، قدرت را از مسائل کانونی میراث حدیث در شیعه در طول تاریخ می‌داند، اما قدرت در اندیشه سیاسی شیعه را همانند تعاریف مرسوم قدرت ارزیابی می‌کند. بدین معنا که در اندیشه حدیثی شیعه شکل‌گیری قدرت مساوی با تصدی نهادهای رسمی است. در این برداشت مساله محوری اندیشه سیاسی مکتون در روایات شیعه مساله انحراف خلافت از مسیر ایدئال شیعه بوده است. بر اساس چنین نگاهی در تفکر سیاسی حدیثی شیعه، قدرت یعنی مبارزه در عرصه سیاسی برای بازگشت مسیر جانشینی پیامبر اسلام(ص) و شکل‌گیری نهاد امامت. از نظر این رویکرد قدرت توانایی‌هایی است از طریق نهادها اعمال می‌شود و در روایات شیعه نیز قدرت نهادی مستقر همواره به‌طور صریح یا ضمنی نامشروع معرفی شده و شیعه الگوی جایگزین برای وضع نامناسب موجود ارائه کرده است. اشکال این برداشت این است که بسیاری از احادیث شیعه را که به قدرت به مثابه نهاد نپرداخته‌اند فاقد دلالت سیاسی می‌داند و می‌گوید شیعه خارج از نهادهای رسمی استراتژی دیگری در مورد قدرت ندارد. این دیدگاه از این نظر که شیعه جریان اصلی مخالف رخدادهای سقیفه و پس از آن بوده است و هر ساختاری غیر از ساختار امامت را مصداق غصب خلافت می‌داند با واقعیات تاریخی و گفتمان سیاسی شیعه همخوانی دارد. همچنین این دیدگاه از این منظر که نشان می‌دهد شیعه نهادهای رسمی موجود پس از ماجرای سقیفه

را نامشروع می‌داند درست است. اما این دیدگاه که مبارزه شیعه را محدود به حوزه سیاسی می‌کند ناقص است. این برداشت همچنین نمی‌تواند بسیاری از ابعاد دیگر گفتمان شیعه در روایات را که به طور مستقیم در مورد سیاست به مفهوم مبارزه نهادین نیست توضیح دهد. روایات شیعه به خوبی نشان می‌دهد که در فرایند تکمیل گفتمان شیعه دو بعد اساسی قدرت همواره مورد توجه بوده است. بعد نهادی قدرت و انتقاد از انحراف از مسیر امامت در بسیاری از روایات شیعه برجسته است. اما همزمان در روایات امامان شیعه مسئله چهره فرهنگی قدرت و معطوف به دو حوزه خصوصی و عمومی نیز توجه خاصی شده است. در روایات شیعه امر سیاسی در نهادهای رسمی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه برعکس جریان زندگی روزمره تماماً حوزه امر سیاسی و مساله تولید و انتشار قدرت است. استراتژی معنادهی زندگی روزمره به واسطه تعریف ارزشهای فرهنگی و برساختن زیست جمعی از رهگذر معنا بُعد مهمی است که در تحلیل‌های کمی نگر قدرت نادیده گرفته شده است. ارزشهای فرهنگی چون اخلاق، دانش، دعا، توکل، گفتار، سکوت، تقوا، جماعت‌گرایی، زیارت و... که در احادیث شیعه برجسته هستند منظومه معنایی را تشکیل می‌دهد که زیست جمعی شیعیان را در حوزه خصوصی و عمومی سامان می‌دهد. ارزشهای فرهنگی مورد سفارش در روایات شیعه مجموعه‌ای از پراکنش‌ها هستند که همچون فرایندی مداوم زندگی روزمره را از معنا پر می‌کند و مانع از شکل‌بندی فضای اجتماعی به نفع قدرت مخالف ارزشهای شیعه می‌شده است. مساله این مقاله همین دغدغه ایضاح رابطه بین این ارزشهای فرهنگی و قدرت در میراث روایی شیعه به مثابه رکن اصلی تمدن‌سازی شیعه است.

مبانی نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر نظریاتی در مورد رابطه فرهنگ و قدرت استوار است که متأثر از «چرخش فرهنگی» هستند. چرخش فرهنگی مجموعه تحولاتی است که فرهنگ را به کانون بحث‌های معاصر کشاند. قبل از چرخش فرهنگی چنین تحلیل می‌شد که نظام اجتماعی دارای خرده نظام‌های مختلف است که یکی از آنها خرده نظام فرهنگ است، اما پس از ظهور نظریات چرخش فرهنگی فرهنگ دیگر به مثابه‌ی یک خرده سیستم نیست، بلکه فرهنگ، همه چیز از اقتصاد تا سیاست را در

1 Political Sphere

2 Private Sphere

3 Public Sphere

درون خودش تعریف می‌کند. در نتیجه این تغییر فرهنگ فرایند اجتماعی تلقی می‌شود که در آن افراد معانی را به هم منتقل کرده، دنیای خود را معنا می‌کنند و هویت خود را می‌سازند و باورها و ارزشهای خود را تعریف می‌نمایند. چنین تغییری بر نوع برداشت از مهمترین موضوع امر سیاسی یعنی قدرت نیز موثر بوده است. پیش از چرخش فرهنگی دو روایت از قدرت در تفکر سیاسی قابل شناسایی است. برداشت اول، قدرت را به مثابه «توانایی صرف کنش» تعریف می‌کند. این برداشت کمی گرا قدرت را توانایی یک بازیگر، برای تحمیل اراده خود با وجود مقاومت دیگری تعریف شده است. بحث‌هایی که در مورد قدرت سخت و ابعاد آن در تفکر سیاسی معاصر دیده می‌شود ناظر به برداشت «توانایی محور» قدرت است. به نظر باری هیندرس (۱۳۹۰) این برداشت در اندیشه مدرن غرب گسترده‌ترین و پرمباحثه‌ترین برداشت بوده است.

در برداشت دوم قدرت به مثابه «تابع رضایت» تعریف شده است. بدین معنا که، قدرت از طریق رضایت حکومت شونده‌گان، حکومت می‌کند. از این منظر قدرت سیاسی حاکم تابع هیچ مافوقی نیست و به رضایت ضمنی اتباع خود و در نتیجه حقوق و تمهیداتی که چنین رضایتی به دنبال دارد متکی است (هیندرس، ۱۳۹۰، ۱۵). مباحثی مثل قدرت نرم، هوشمند، شبکه‌ای و... معطوف به همین قدرت مبتنی بر رضایت اعمال شونده قدرت است. نظریه قدرت نرم جوزف نای یکی از نظریاتی است که بر چنین پیشفرضی استوار است. نای قدرت نرم را توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع تعریف می‌کند. بنابراین، قدرت نرم به معنای توانایی جذب مردم به نحوی است که منجر به رضایت و تسلیم شدن آنها در برابر خواسته‌های ما گردد (نای، ۱۳۸۷، ۲۴). نگاه نای حاوی این پیشفرض است که قدرت رسمی یا متمرکز دارای منابع مادی است که می‌تواند از طریق کاربست این توانایی‌ها قدرت خود را حفظ کند یا توسعه دهد. اما این سوال را که گاهی قدرتی در خارج از نهادهای رسمی و در زندگی روزمره شکل می‌گیرد و گاهی از قدرت رسمی تأثیر بیشتری دارد نمی‌تواند پاسخ دهد. برداشت سوم از قدرت که حاصل چرخش فرهنگی است در مقایسه با دو برداشت اول از قابلیت پاسخ به این سوال برخوردار است. در برداشت سوم و فرهنگ محور، قدرت «به مثابه معنا» تعریف شده است. در این نظریات قدرت دیگر صرفاً در نهادهای رسمی و در دستان فرادستان تعریف نمی‌شود. قدرت در درون فرهنگ و تعاملات زندگی روزمره دیده می‌شود. در نظریات متأثر از چرخش زبانی و فرهنگی تعریف «قدرت به مثابه معنا» به خصوص در نظریه استوارت هال برجسته است. از نظر استوارت

هال در نتیجه چرخش فرهنگی «فرهنگ مجموعه‌ای از چیزها-رمان‌ها، نقاشی‌ها، یا برنامه‌ها، و طنزهای تلویزیونی - نیست بلکه نوعی فرایند یا مجموعه‌ای از پراکتیس‌ها است. اساساً فرهنگ با تولید و مبادله معناها میان اعضای جامعه یا گروه سروکار دارد» (هال، ۱۳۹۱، ص. ۱۷).

تلقی ریموند ویلیامز از فرهنگ به مثابه امر معمولی هم ناظر به همین اهمیت زندگی روزمره و فرهنگ در تولید معنا، منازعه برای هژمونی معنای یک گفتمان است. امر معمولی یا همان فرهنگ ملک مطلق افراد ممتاز نیست، بلکه در برگیرنده تمام راه و رسم‌های زندگی روزمره است و همه تعاملات روزمره انسان‌های عضو جامعه محل برساخت فرهنگ و منازعه معنایی است. مراد معناگرایانه از فرهنگ این است که عرصه فرهنگ نزاع بر سر این مساله است که زندگی به چه نحوی باید زیسته و تجربه شود. گروه یا گفتمانی که بتواند در منازعه با سایر نظام‌های معنایی نحوه زیسته شدن یا تجربه شدن زندگی را تعریف کند از ظرفیت اعمال قدرت نیز برخوردار است. بدیهی است در اینجا آنچه نحوه تجربه شدن را تعیین می‌کند نظام ارزشها و باورها یا همان فرهنگ است. به دیگر سخن ارزشهای فرهنگی از ارکان مهم منازعه گروه‌ها و گفتمان‌ها برای تعیین کردن نوع تجربه زیسته افراد جامعه هستند. گروه یا گفتمانی که بتواند از رهگذر فرهنگ سوژه‌ها را بسازد توانایی اعمال قدرت را نیز از آن خود کرده است. اگر ارزشهای فرهنگی و اجتماعی را سازوکارهای شکل‌دهی اخلاق و رفتار اعضای جامعه بدانیم، هر گروهی بتواند در تعاملات روزمره «اخلاق عامه» را از رهگذر تولید معنا بسازد توانسته است قدرت تولید کند. سوژه‌ها افکار و امیالشان در چارچوب همین تعاملات روزمره شکل می‌گیرد. این افکار و امیال در هر حال متأثر از یک نظام معنایی است. نظام معنایی در حقیقت از طریق شکل‌دهی ارزش‌های زیست جمعی سوژه‌ها را بر می‌سازد و رفتار آنها را شکل می‌دهد.

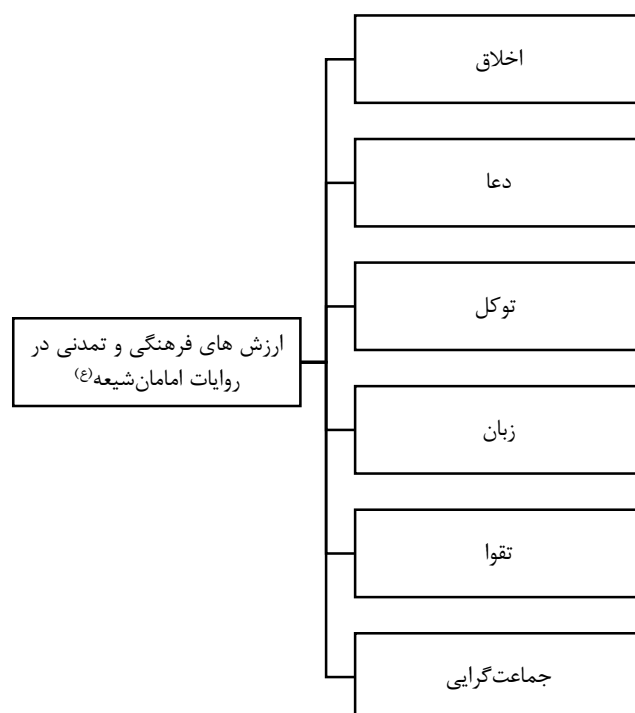
شکل‌دهی ارزشها در خلا شکل نمی‌گیرد، بلکه در تعاملات روزمره اتفاق می‌افتد. بنابراین قدرت هم به وسیله‌ی تعامل اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها در درون زندگی روزمره تولید و حفظ می‌شود. لذا نقطه تمرکز قدرت به مثابه معنا، زندگی روزمره مخاطبان است. گفتمان‌ها برای تأثیرگذاری بر مخاطبان از ارزشهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مقبول بهره می‌گیرند و بدین ترتیب تلاش می‌شود میزان جذابیت خود را افزایش دهند. به‌طور کلی هر آنچه در اقناع و رضایت گزینه‌های هدف قدرت مؤثر است می‌تواند به‌عنوان منابع معنا ساز در نظر گرفته شود. قدرت معنا از دو عنصر اصلی تشکیل شده است: در بحث عناصر فرهنگی، برخورداری از ایدئولوژی جذاب، ارزشهای پایدار، هنجارهای مقبول، و کم بودن تضاد

ارزشها از موارد برجسته مورد توجه است. در بحث عنصر اجتماعی، انسجام اجتماعی، وابستگی ملی، هویت جمعی و سرمایه اجتماعی عوامل برجسته قدرت معنادار محسوب می‌شوند. از این نظر معنا در همه قلمروها رخ می‌دهد.

نکته اول در مورد تعریف معنا به مثابه قدرت این است که در چنین نگاهی قدرت در جامعه پراکنده دیده شود. قدرت متمرکز نیست و هر جا امکان تولید معنا وجود داشته باشد آنجا کانون رابطه قدرت نیز باشد. نکته دوم در تصویر معنا به مثابه قدرت این است که در این تعریف قدرت صرفاً در دستان کسانی که ابزارهای مادی قدرت دارند نیست. امکان تولید قدرت برای تهدیدستان(نه به مفهوم فقرا بلکه کسانی که قدرت رسمی و نهادین آنها را طرد کرده است) و کسانی که از ساحت قدرت رسمی نیز کنار رفته‌اند وجود دارد. در حقیقت در اینجا توانایی مقاومت به اشکال مختلف غیرمادی نیز به مثابه قدرت تلقی می‌شود. حاشیه‌ای شدگان همواره قادر هستند در مقابل هژمونی قدرت حاکم دست به مقاومت هژمونیک بزنند. به رغم اعمال هژمونی شدیدی که برای یکدست کردن و همگون‌سازی اقشار فرودست / حاشیه‌ای انجام می‌شود آنها هویت اجتماعی خود را حفظ می‌کنند. توانایی آنها در معارضة‌جویی با معناها و ارزشهای مسلط سبب می‌شود شکل‌بندی‌های اجتماعی خاصی تولید کنند و از طریق این شکل‌بندی‌ها معناهای مورد نظر خود را مفصل‌بندی کنند(مورلی به نقل از فیسک، ۲۰۱۸). تولید و توزیع ارزشها و آموزه‌های جذاب و قابل استفاده در زندگی روزمره باعث شکل‌گیری گفتمان مقاومت می‌شود. آنچه از ناحیه جذابیت و میل بازیگر پدید آمده و منشا رفتار قرار می‌گیرد مقاومت مقابل هر نوع قدرت غیر از قدرت پدید آورنده را ایجاد می‌کند. در اینجا مقاومت به مثابه قدرت است و نه ناتوانی. در نظریه‌های پیش از چرخش فرهنگی حاشیه بودگی با بی‌قدرتی و ناتوانی دیده می‌شد، اما در نظریه‌های جدید، مقاومت، قدرت است و ارزشی همسان آن دارد. با ابتناء بر این نوع تعریف از قدرت می‌توان گفت شیعه به‌عنوان گفتمان مقاومت در تاریخ تحول تمدن اسلامی همواره ارزشهای فرهنگی خاص خود را داشته است. در احادیث شیعه مجموعه‌ای از ارزشهای فرهنگی مطرح شده است که کارکرد آنها تولید معنا برای زندگی روزمره است. در حیات تمدنی اسلامی زیست مسلمانی به شدت وابسته به تعامل روزمره فرد مسلمان با این ارزشها و جهت‌دهی رفتار بر اساس آنهاست. نظام اعتقادات، ارزشها، اخلاقیات در تاروپود اندیشه و کردار و رفتار فردی و اجتماعی فرد مسلمان تنیده شده است(قربی و حیدری، ۱۳۹۷، ۱۵۸). چنانکه اشاره شد از نظر حال، معنا در جریان کنش متقابل، انواع رسانه‌ها، مصرف

کالاها و... رخ می‌دهد. با نگاهی به روایات شیعه به فهرست چیزهایی استوارت هال در مورد فرهنگ از آنها سخن گفته می‌توان آیین‌ها و مناسک فرهنگی همچون دعا، دانش، رعایت تقوا، اخلاق‌گرایی، جماعت‌گرایی و... را به‌عنوان اموری هستند که معنا تولید می‌کنند اضافه کرد.

چنین ارزشهایی توصیه‌هایی برای سرگرمی فرد مسلمان نیست، بلکه مجموعه‌ای از پرتکس‌ها هستند که همچون فرایندی مداوم زندگی روزمره را از معنا پر می‌کند، نظام تمدنی را حفظ و مانع از شکل‌بندی فضای اجتماعی به نفع قدرت مخالف ارزشهای شیعه و سایر جریان‌های رقیب می‌شده است. این ارزشها همچنین توانایی استیضاح سوژه‌ها را دارند. با استفاده از زبانی عامه پسند برای نامیدن انسان‌ها عمل می‌کنند و سوژه‌هایی که با سوژه مورد نظر قدرت رسمی متفاوت بوده را خلق می‌کرده است. بنابراین شبکه‌ای از ارزشها را در فرهنگ شیعه می‌توان برشمرد که کارویژه مهم آنها تولید معنا و منابعی برای کسب هژمونی در حوزه عمومی بوده است.



روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش نشانه‌شناسی است. یکی از عام‌ترین تعریف‌ها نشانه‌شناسی علمی است که با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سروکار دارد. در واقع نشانه‌شناسی در اشکال فراوان با تولید معنا ارتباط دارد. سوسور معتقد است که برای نشان دادن ماهیت مسئله‌ی نشانه‌شناسی هیچ چیز بهتر از مطالعه زبان‌ها نیست. او الگویی دو وجهی یا دو قسمتی از نشانه ارائه می‌کند از دید او نشانه تشکیل شده از: دال (تصویر صوتی) و مدلول (مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند) (امامی فر، ۱۳۸۸، ۵). در واقع نشانه‌شناسی علمی است که هدف خود را شناخت و تحلیل نشانه‌ها و نمادها چه آنها که به صورت زبان گفتاری یا نوشتاری در آمده‌اند و چه آنهایی که صورت‌های غیر زبانی دارند. به‌طور کلی هدف و مقصود نشانه‌شناسی، مطالعه نظام‌های نشانه‌ای مانند زبان‌ها، رمزها، نمادها، نشانه‌های علامتی و مواردی از این دست است... نشانه‌شناسی یکی از بهترین روش‌های کارآمدی است که با ایجاد معنی و یا به تعبیر رولان بارت با «فرایند معنی دار شدن» سر و کار دارد (موسوی پور، ۱۳۹۳). در عرصه پژوهش‌های سیاسی، این علم به بررسی ماهیت ارجاعی گزاره‌های سیاسی و نسبت این گزاره‌ها با حقیقت می‌پردازد. به بیان دیگر، یک نشانه‌شناس سیاسی با تمرکز بر کارکرد نشانه‌ها، به بحث در مورد تولید معنا و چگونگی معنادار شدن زیست جهان سیاسی آدمیان توسط نظام آنان (نشانه‌ها) می‌پردازد (تاجیک، ۱۳۹۸، ۷). در این پژوهش با روش نشانه‌شناسی به بررسی نسبت ارزشهای فرهنگی و قدرت در روایات شیعه پرداخته شده است.

منظومه ارزشهای معناساز در روایات شیعه و مساله قدرت

بعد از قرآن، حدیث دومین منبع مسلمانان برای دریافت شریعت است. دانش محوری و تمدن ساز شیعه دانش حدیث بوده است و به مثابه یک ارزش فرهنگی جایگاه کانونی در سامان بخشی به همه ابعاد زندگی روزمره شیعیان چه در دوره حضور امامان شیعه و چه در دوره غیبت دارد. حدیث مهمترین منبع تولید دانش و نظام‌معنایی تمدن شیعه بوده است و حدیث ارزشهای اساسی شیعه را مشخص می‌نماید. روایت حدیث و عمل به آنها در زندگی روزمره از مهمترین توصیه‌های امامان شیعه بوده است. احادیث تمام جنبه‌های زندگی روزمره انسان مسلمان را در نظر گرفته است. بخش از احادیث در مورد زندگی سیاسی است اما بخش بسیار بزرگتری در مورد نحوه کنش حوزه عمومی و حوزه خصوصی

است. به دلیل شرایط استبداد سیاسی و حذف امامان شیعه از ساحت قدرت سیاسی، همزمان با نقد ساخت قدرت رسمی، تمرکز در حدیث بر روی دو حوزه خصوصی و عمومی بوده است. امامان شیعه در شرایط مختلف به ترویج علوم و معارف اسلامی و تربیت اندیشمندانی در زمینه‌های علوم مختلف می‌پرداختند به طوری که امام صادق (ع) در حوزه در خود حدود ۴۰۰۰ دانشمند راوی و مفسر حدیث تربیت نمود (صنم‌یار، ۱۳۸۱، ۲۵۶). رساله‌های عملیه همه بر اساس احادیث نوشته شده‌اند. عالمان شیعه در طول تاریخ با تکیه بر ذخیره گرانبهای حدیث به نوشتن رساله‌های عملیه همت گماشتند که راهنمای اصلی زندگی روزمره اعضای جامعه شیعه در حوزه‌های مختلف عبادات، معاملات و همه ساحت‌های جامعه ساز و تمدن ساز بوده است. تحلیل رساله‌های عملیه نشان می‌دهد نحوه مدیریت بدن، اخلاق فردی، بهداشت فردی و عمومی، خانواده، اقتصاد و... در این متون مورد توجه قرار گرفته است. ریشه توجه به حدیث به عنوان دانش معناساز و سامان بخش زندگی روزمره در اندیشه اسلامی در احادیث پیامبر اسلام (ص) دیده می‌شود. رسول اکرم (ص) در زمینه اهمیت روایت حدیث می‌فرماید: «اگر کسی دو حدیث را بخواند و خودش به آن دو حدیث عمل نماید و آن را به دیگران نیز تعلیم دهد تا آنان نیز از آن دو حدیث بهره‌مند شوند چنین کوشش و فعالیتی از جانب او بهتر و بالاتر از ثواب عبادت و بندگی حق تعالی به مدت ۶۰ سال» (شهیدثانی، ۱۴۳۱ق، ص. ۱۸۲). به پیروی از سنت نبوی نقل حدیث و تأکید بر روایت و انتشار آن و در نهایت عمل به آن از جمله راهبردهای امامان شیعه برای معنادهی زندگی روزمره پیروان بوده است. به همین دلیل در روایات شیعه تأکید زیادی بر اهمیت و ثواب کار ترویج احادیث شیعه به مثابه مهمترین بنیان معرفتی شیعه شده است. امام رضا (ع): «خدا رحمت کند کسی را که این امر ولایت ما را زنده می‌سازد. پرسیده شد امر شما چگونه زنده می‌شود، فرمود: علوم و معارف و احادیث ما را فرا گرفته و به دیگران بیاموزد، زیرا مردم اگر با زیبایی‌های سخنان ما آشنا گردند از ما پیروی خواهند نمود.» (مجلسی، ۱۳۸۸، ۳۰، ج ۲). امام صادق (ص) نیز فرموده‌اند: «اگر کسی یک حدیث از معارف اسلامی را به خوبی بفهمد و عمق علمی آن را به درستی درک کند، بهتر از آن است که هزار حدیث را در حافظه خود بسپارد و آنها را نقل نماید، و پیروان مکتب اهل بیت به مقام فقاها نائل نمی‌شوند، مگر آنکه نظرات ائمه را درک کنند و به جهات مختلفه احادیث متوجه باشند.» (مجلسی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۸، ج ۱). وجه مهم روایت حدیث معنادهای زندگی و جامعه‌پذیری مداوم اعضای جامعه است. بسیاری از روایات موید آن است که امامان شیعه انتشار احادیث را رکن مهم سامان زندگی جمعی بر

اساس ارزشهای شیعه می دانسته‌اند. از امام صادق(ع) سوال شد کدام مرد افضل تر است؟ مردی که سخنان شما را نشر می دهد و آن را در دل شیعیان استوار می کند، یا مردی عابد که چنین نیست؟ امام(ع) فرمود: آنکه سخنان ما را نشر دهد و آن را در دل شیعیان استوار سازد از هزار عابد برتر است (کلینی، ۱۳۹۲، ۳۳، ج ۱). امام صادق(ع) در حدیثی که به صراحت اهمیت معناسازی از طریق جامعه‌پذیری حدیث محور را نشان می دهد فرموده است: «احادیث اسلامی را به نوجوانان خود بیاموزید و در انجام این وظیفه تربیتی، تسریع نمائید، پیش از آنکه مخالفین گمراه، بر شما پیشی گیرند و سخنان نادرست خویش را در ضمیر پاک آنان جای دهند و گمراهشان سازند» (کلینی، ۱۳۷۹، ۴۷، ج ۶) امام باقر(ع) نیز در همین زمینه نقش حدیث در تربیت اعضای جامعه را مورد تاکید قرار داده‌اند و فرموده‌اند: «پیروان اسلام در پرتو معرفت واقعی و درک حقایق علمی روایات، می توانند به عالی ترین مدارج ایمان نائل شوند» (مجلسی، ۱۳۹۸، ۱۱۸، ج ۱) جابر گوید که امام باقر(ع) فرمود: «ای جابر به خدا سوگند، حدیثی که از فردی صادق، در زمینه حلال و حرام به دست آوردی، از آنچه خورشید بر آن می تابد با ارزش تر است» (مجلسی، ۱۳۸۸، ۱۴۶، ج ۲). در روایت شیعه منظومه‌ای از ارزشهای فرهنگی برجسته قابل استخراج است که کارویژه آنها جامعه‌پذیری مداوم اعضای جامعه است. جامعه‌پذیری مداوم ضمن تولید معنا و برساختن اخلاق عامه همبستگی اجتماعی مدنظر گفتمان شیعه را فراهم می کند و قدرت گفتمان مقاومت را مقابل دست اندازی قدرت مسلط افزایش می دهد.

۱. اخلاق

در گفتمان تمدنی اسلام، سیاست با اخلاق عجین است و اصولاً هدف سیاست در کلی ترین نگاه، مکارم اخلاق، تهذیب و انسان‌سازی است. از نشانه‌های قدرت در روایات شیعه اخلاق و توانایی اخلاق برای تولید معنا در تعاملات روزمره میان انسانهاست. اخلاق نیکو در روایات شیعه چه برای حاکمان و چه برای مردم عادی به عنوان ارزش فرهنگی محوری در زندگی روزمره مورد توصیه جدی است. در روایات شیعه داشتن اخلاق نیکو و حسنه هم برای اعضای جامعه و هم برای حاکم اسلامی اهمیت شایانی دارد. در روایات شیعه تاکید می شود قدرت نه از طریق سلطه‌ورزی و ظلم و ستم بلکه از طریق جذب انسان‌ها با اخلاق نیکو تولید می شود. انسان‌های عضو جامعه اسلامی در روایات شیعه به حسن اخلاق در مراوده روزمره با همدیگر توصیه شده‌اند. امام صادق(ع) می فرماید: «خوش اخلاقی بین مردم زینت اسلام است» (طبرسی، ۱۳۹۲، ۴۲۲). امام علی(ع) فرد نرم‌خو را معنادار و موجب تقویت جایگاه

صاحب آن می‌داند و می‌فرماید: «زبان خود را به نرم خویی و سلام کردن عادت بده تا دوستانت زیاد و دشمنانت کم شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ۶۲۳، ج ۱)

در روایات شیعه ارزش فرهنگی اخلاق نیکو برای صاحبان قدرت رسمی نیز بسیار تأکید شده است که صاحب قدرت باید همواره بر قلب‌ها حکومت کند. امام علی (ع) سیاست نیکو را موجب پایداری ریاست و مایه استواری مکت می‌داند. (محمّدی‌شهری، ۱۳۹۲، ۴۳۶، ج ۵). امام در جای جای نهج‌البلاغه سیاست نیکو را سیاست اخلاقی معرفی کرده است. سیاست خوب که مبنی بر اخلاقیات است یکی از راه‌های جذب رای و نظر مردم است. مبنای اخلاق از دیدگاه امام رضا (ع) حق‌مداری است. امام (ع) فرامین الهی را در زندگی فردی و اجتماعی خود به بهترین وجه اطاعت می‌کرد و اصول اخلاقی را در همه زندگی رعایت می‌نمود. آنجا که امام در سند ولایتعهدی می‌فرماید: «خدا را بر خویشتن گواه می‌گیرم که اگر رهبری مسلمانان را به دستم دهد، با همه به ویژه بنی‌عباس به مقتضای اطاعت خدا و سنت پیامبرش عمل کنم، هرگز خونی را به حق نریزم و ناموس و ثروتی را به ناحق از دارنده‌اش نگیرم، مگر که حدود الهی مرا دستور داده است.» (مهاجریان، ۱۳۹۶) معنای این سخن آن است که وقتی صاحبان قدرت در مدار اخلاق حرکت می‌کنند، مردم جذب‌شان شده و کاملاً مختار و با اراده‌ی خود به آنها خدمت می‌کنند. امام صادق (ع) شیعیان را به نرمی و خوش‌خلقی توصیه می‌کردند: «به مردم فشار نیاورید. آیا نمی‌دانید که روش حکومت‌داری بنی‌امیه متکی به زور شمشیر و فشار و ستم بود، ولی روش حکومت‌داری ما اهل بیت به نرمی، مهربانی، متانت، خوش‌اخلاقی، پاک‌دامنی و کوشش است؟ پس کاری کنید که مردم به دین و مسلک شما رغبت پیدا کنند.» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ۴۳۰، ج ۱۱) این روایت دلالت صریح بر اهمیت اخلاق در تولید معنا و تولید قدرت دارد، چرا که براساس نظریه، اخلاق منجر به فتح قلوب مردم می‌شود و نوع تعامل با قلوب است که می‌تواند باعث صعود یا سقوط نظام سیاسی شود. در روایات شیعه درستکاری و صداقت صاحبان قدرت منجر به جلب نظر آحاد جامعه و افزایش اعتماد بین مردم و حاکمان می‌شود. این اعتماد پایه‌های نظام سیاسی را مستحکم‌تر می‌کند. نه تنها صاحبان قدرت رسمی و نهادین مخاطب این روایات هستند، بلکه کسانی که به هر دلیل از ساحت قدرت رسمی فاصله گرفته‌اند و یا حذف شده‌اند از رهگذر اخلاق‌مداری می‌توانند قدرت داشته باشند.

۲. دعا

دعا ارزش فرهنگی مهمی در روایات شیعه است. زبان دعا مملو از استعاره‌های فراوان است؛ استعاره‌هایی که در تحلیل نهایی زیست جهان سیاست‌گوشگر دعا را از خود متأثر می‌سازد. دلالت معنایی چنین زبانی عدم موضع صریح در ارتباط با قدرت رسمی است. اما دلالت معنایی ضمنی زبان دعا، نقد قدرت و عبور پذیرکردن مرزهای قدرت رسمی و کمک به شکل‌گیری گفتمان مقاومت است. در روایات شیعه دعا و نیایش تأثیر به‌سزایی در نفس انسان دارد و اعتمادبه‌نفس و قدرت او را افزایش می‌دهد (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۸۶، ۵۰). نقش دعا غیر از ابعاد روحی آن باید در تولید آنچه گفتمان مقاومت نامیده‌اند بسیار مهم است. مسئله دعا و آثار آن در زندگی به اندازه‌ای مهم است که محدث بزرگ شیعه، کلینی در کتاب *باعظمت الکافی*، نزدیک به شصت باب در زمینه دعا مطرح کرده است (انصاریان، ۱۳۹۷). دعا به مثابه کنشی معناساز در زندگی روزمره انسان شیعه در روایات شیعه بسیار برجسته شده و از آن به‌عنوان سلاح یاد شده است، سلاحی که در اختیار همگان است، قدرتمندان و ضعفا هر دو می‌توانند از آن بهره‌گیرند، اما در عمل برای حاشیه‌ای گشتگان سلاحی بسیار کارآمدتر از قدرتمندان است. دعا کنشی معنایی است که هم در ساحت زندگی مادی و هم ابعاد روحی اثر گذار است. در سیره امامان شیعه در شرایط دشوار سیاسی دعا کنشی بسیار کارآمد برای عبور از وضع موجود است. در زمان امام‌سجاد(ع) که شرایط اختناق‌آمیزی حکمفرما بود، امام(ع) بسیاری از اهداف و مقاصد خود را در قالب دعا و مناجات بیان می‌کرد (مدنی، ۱۴۰۳، ۷۵، ج ۴). امام در ادعیه خود به صراحت از مسائل زیادی که جنبه سیاسی دارد یاد می‌کند: مقام خلافت مخصوص خلفا و اوصیای الهی است. مقام خلافت مورد یورش قرار گرفته است. احکام خدا تبدیل گشته و کتاب خدا مورد غفلت قرار گرفته است. واجبات الهی تحریف شده است. سنت پیامبر(ص) متروک گشته است (حدیدی، ۱۳۹۹، ۱۹۳). دلالت معنایی بسیاری از دعا‌های امام‌سجاد(ع) نقد وضع موجود و انتشار ارزشهای سیاسی جایگزین بود. به‌عنوان مثال امام(ع) چنین دعا کرده‌اند: خداوندا، مقام خلافت برای خلفای توست، برگزیدگان از خلقت و جایگاه امانت‌های تو در درجات عالیه که تو آن مقام را به آنها اختصاص دادی، ولی دیگران از آنان گرفتند... تا جایی که برگزیدگان و خلفای تو در مقابل ستم ستمکاران، مغلوب و مقهور شده و حقشان برباد رفت. پروردگارا، بر دشمنان آنها از اولین و آخرین شان به کسانی که بر تجاوز دشمنانشان رضا دادند و بر پیروان و تابعین آنها لعنت فرست (صحیفه‌سجادیه؛ دعای چهل و هشت). امام توانست از دعا برای بیان بخشی از عقاید خود استفاده کند. گرچه مقصود اصلی در این دعاها همان معرفت و

عبادت بود، اما با توجه به تعبیری که وجود دارد می‌توان گفت مردم می‌توانستند از لابلای این تعبیرات با مفاهیم سیاسی مورد نظر امام‌سجاد(ع) آشنا شوند(جعفریان، ۱۳۹۱، ۶۲۱). از جمله این مفاهیم «عترت برگزیده»، «آل‌محمد» و «امامت» است که مفاهیم دارای بار معنایی سیاسی هستند و با مفاهیم و هنجارهای نظام‌سیاسی خلافت در تعارض بوده‌اند. امام(ع) با چنین نشانه‌هایی، در دعاهای خود ضمن ترسیم مرزهای گفتمان مشروع، گفتمان قدرت رسمی را به صورت نامشروع بازنمایی کرده و از طریق مفاهیم پر معنا در قالب دعا شیعیان را به همدیگر پیوند می‌داد. امام‌رضاع(ع) می‌فرماید: «بر شما باد سلاح پیامبران. عرض شد: سلاح پیامبران چیست؟ فرمود: دعا»(کلینی، ۱۳۸۵، ۴۶۸، ج ۲). در این روایت دعا دلالت صریح بر منبعی برای مقابله با قدرت حاکم دارد، چرا که به عنوان سلاح پیامبران(ع) معرفی شده است. نکته قابل تأمل آن است که پیامبران هیچ‌گاه در مقام نهادهای رسمی و قدرت مرسوم با مردم سخن نگفته‌اند. دعا نه تنها سلاح پیامبران، بلکه سلاح مؤمنان نیز هست. امام‌صادق(ع) می‌فرماید: «پیامبر خدا(ص) فرمود: آیا سلاحی را به شما نشان دهم که از دشمنان نجاتتان می‌دهد؟ عرض کردند: آری. فرمود: شب و روز به درگاه پروردگارتان دعا کنید؛ زیرا سلاح مؤمنین دعاست»(محمدی‌شهری، ۱۳۸۸، ۱۸، ج ۴). در این روایت نیز دعا به مثابه منبع قدرت نگریسته شده، سلاحی برای مقابله با دشمنان خود و خدا. مؤمن با این سلاح روحیه‌ی بیشتری برای مبارزه کسب می‌کند و در ادامه از امدادهای غیبی نیز برخوردار می‌شود. پیامبر(ص) همراه مسلمین به مناجات و راز و نیاز به درگاه الهی پرداختند. بنابراین دعا بخش مهمی از نظام معنا ساز شیعه است که در احادیث شیعه بر کاربست آن در تعاملات روزمره بر آن تأکید می‌شود. دلالت ضمنی تمام احادیث شیعه نیز این است که دعا رکن مهمی برای مقاومت مقابل قدرت حاکم است. تأکید بر دعا در شرایط نابرابری قدرت مؤید همین نگاه به دعاست. امام‌علی(ع) کارگرتین تیرها را دعای ستم‌دیده می‌دانست (محمدی‌شهری، ۱۳۹۱، ص. ۵۶۱، ج ۶). امام‌صادق(ع) نیز می‌فرماید: «پدرم می‌گفت از ظلم بپرهیزید، چراکه دعای مظلوم به آسمان صعود می‌کند»(کلینی، ۱۳۸۵، ص. ۵۰۹، ج ۲) علی‌رغم آنکه دعای مردم در حق حاکمان خود بر اقتدار آنان می‌افزاید، برعکس دعا و آه و ناله مردم از ستمی که به آنان روا شده است بنیان صاحبان قدرت را نابود می‌کند. بنابراین در این روایات دعای ستم‌دیده دلالت ضمنی بر قدرت دارد، چرا که زورش به صاحبان قدرت قدرت می‌چربد.

۳. توکل

توکل به خدا یکی دیگر از ارزشهای فرهنگی است که به لحاظ توانایی معناسازی نقش مؤثری در شئون زندگی فردی و اجتماعی آدمی دارد (فقهی زاده، واعظی و خطیریان، ۱۳۹۳، ص. ۳). در روایات شیعه بر بهره‌گیری از توکل به مثابه کنشی معنا ساز در زندگی روزمره تأکید شده است. در روایات شیعه توکل به شیعیان مؤمن ابلاغ شده تا بتوانند در برابر ناملایماتی‌ها و دشمنان‌شان پیروز شوند. امام علی (ع) می‌فرماید: «هر که به خدا توکل کند، دشواری‌ها برای او آسان شود و اسباب برایش فراهم گردد» (محمدی‌شهری، ۱۳۸۹، ص. ۴۵۸، ج ۱۳). این روایت دلالت اهمیت مقاومت در شرایط دشوار برای دستیابی با تأخیر به اهداف دارد. می‌توان توکل را از منابع قدرت سطح خرد و منتشر در زندگی روزمره در روایات شیعه دانست. امام علی (ع) صراحتاً توکل بر خدا را نشانه قدرت می‌داند آنجا که، قوی‌ترین مردم را کسی می‌داند که بیشتر به خدا توکل دارد. (محمدی‌شهری، ۱۳۸۹، ص. ۴۵۶، ج ۱۳) امام (ع) می‌فرماید: «توکل بر خداوند، مایه نجات از هر بدی و محفوظ ماندن از هر دشمنی است» (محمدی‌شهری، ۱۳۸۹، ص. ۴۴۹، ج ۱۳). هر دو روایت دلالت بر نقش باور و ارزشها در تولید قدرت و تقویت اراده در شرایط دشوار دارند. در روایات شیعه توکل به مثابه چهارچوبی دانسته شده که هر کس در آن قرار بگیرد قدرتمندتر است و این توکل می‌تواند ضامن موفقیت و پیروزی باشد. بنابراین قدرتمندترین صاحبان قدرت، توکل‌کننده‌ترین آنهاست.

امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده، در مورد توکل به خدا این‌گونه بیان می‌دارد که راه حل خلاصی از سختی‌ها و مشقت‌ها جز خود خداوند متعال و توکل به او نیست. با این وجود، در این وهله، انسان یا به‌طور مستقیم و با توکل به خدا و قدرتش از او درخواست می‌کند، یا برای حل مصیبت‌ها مقربینی را واسطه فیض قرار می‌دهد تا آنها شفیع انسان برای رفع گرفتاری او شوند. امام سجاده (ع) با توصیه شیعیان به توکل می‌فرماید: «دشواری‌ها در برابر قدرتت آسان گردد و وسایل زندگی و اسباب حیات، به لطف فراهم آید و فرمان و حکم به نیرویت جریان یابد؛ و همه چیز بر اساس و اراده‌ات می‌گذرد» (صحیفه سجاده؛ دعای هفتم). امام باقر (ع) انسان‌های متوکل را شکست‌ناپذیر توصیف می‌کند: «آنکه به خدا توکل کند، مغلوب نشود و آنکه به خدا توسل جوید، شکست نخورد» (محمدی‌شهری، ۱۳۸۹، ص. ۴۵۹، ج ۱۳). توکل بر خدا کلید رهایی از سختی‌هاست، اما آن شیعه به پیروانشان سفارش کرده‌اند که در مواجهه با بحران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در گام اول به خدا توکل کنند و او را یار و یاور خود بدانند.

از امام علی (ع) نقل است که: «ای مردم بر خدا توکل کنید و به او اعتماد داشته باشید؛ چراکه انسان را از غیر خود بی‌نیاز می‌کند» (مجلسی ۱۴۰۴، ج ۲۶۵، ص ۵۵) امام صادق (ع): «هر که دوست دارد بی‌نیازترین مردم باشد، باید وثوق و اعتماد او به خدا و آنچه نزد خداست بیشتر باشد، از آنچه در دست او و دیگران است» (مجلسی ۱۳۷۵، ۱۳۸، ج ۷۱). شخص متوکل در پرتو اتکاء به نیروی الهی در برابر دشواری‌ها، روحیه‌ی مقاوم‌تری دارد. در این زمینه برای نمونه می‌توان به روحیه‌ی استقامت و پایداری پیامبر اکرم در سایه توکل به خدا اشاره کرد؛ چنان‌که در آیات اول سوره احزاب، پیامبر (ص) را به عدم اطاعت از کافران و منافقان دستور می‌دهد، که لازمه‌ی آن استقامت و پایداری در برابر آنان است. یکی از عوامل عمده در به‌دست آوردن روحیه استقامت نیز توکل بر خدا است؛ زیرا به دنبال نهی از اطاعت کفار و منافقان، در ادامه دستور به توکل مطرح شده است (فقهی‌زاده، واعظی و خطیریان، ۱۳۹۳، ص ۱۱).

۴. گفتار و سکوت

سخن و گفتار یا به‌عبارت‌دیگر زبان نیز یکی از چارچوب‌های معناساز در زندگی روزمره در روایات شیعه است. روایاتی وجود دارند که به‌طور مستقیم از اهمیت زبان در زندگی روزمره و اهمیت نحوه به‌کارگیری زبان در تعاملات روزمره سخن گفته‌اند. اما سخن تأثیر دوسویه‌ای دارد، هم می‌تواند قدرت را به اوج برساند و هم می‌تواند اسباب سقوط قدرت را فراهم کند. امام علی (ع): «زبان، ترازوی انسان است» (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۸، ۲۵۶، ج ۱۰). ترازو ابزار سنجیدن و اندازه‌گیری است. در واقع به گفته امام (ع) زبان اندازه‌آدمی را نشان می‌دهد، بنابراین زبان یکی از ابزارهایی است که می‌توان میزان قدرت فرد را نیز با آن سنجید و قدرت به یک معنا در زبان شخص نهفته است. امام علی (ع) می‌فرماید: «سخن بگویند تا شناخته شوید زیرا انسان در زیر زبان خود پنهان است» (نهج‌البلاغه؛ حکمت ۳۹۲). در واقع باید سخن بگویند تا ما را بشناسند و به شخصیت ما پی ببرند و جایگاه خود را در جامعه پیدا کنیم و بتوانیم فرد مفیدی باشیم (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۶، {حکمت ۳۹۲}). زبان نه تنها برای کسب قدرت و جلب قلوب مردم کارساز است، بلکه در حفظ قدرت نیز مؤثر است. امام باقر (ع) - خطاب به مردی که در حضور ایشان زیاد سخن گفت - فرمود: «ای مرد! سخن را دست‌کم و کوچک می‌شماری! بدان که خداوند عزوجل، وقتی پیامبران خود را فرستاد، آنان را با زر و سیم نفرستاد، بلکه با سخن فرستاد. خداوند عزوجل، از طریق سخن و دیگر دلایل و نشانه‌ها، خود را به آفریدگانش شناساند» (کلینی، ۱۴۱۱، ۱۴۸، ج ۸). امام سجاده (ع) در جواب به مردی که در مورد برتری سخن یا

خاموشی از ایشان پرسید. فرمود: سخن گفتن، زیرا خداوند عزوجل، انبیاء و اوصیاء را با سکوت نفرستاده، بلکه آنان را با سخن و گفتار فرستاده است (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۸، ۲۰۰، ج ۱۰). سخن در روایت بالا دلالت زبان دارد و زبان دلالت بر قدرت، چراکه زبان را همچون ابزاری قدرتمند در اختیار انبیاء الهی می‌داند. در واقع امام(ع) بر قدرت زبان واقف است.

وجه دیگر گفتار سکوت است. سکوت و یا موقعیت سنجی دیگر راهبرد زبانی است که در احادیث شیعه برجسته است. تولید معنا در قالب‌های متفاوت از جمله دو چهره «گفتار» و «سکوت» صورت می‌گیرد. سکوت بخشی از گفتمان سیاسی است. سکوت بخشی از زبان است همان‌طور که گفتار نیز بخشی از زبان است. همان‌گونه که ما با کنش گفتار و سخن و یا با عمل آشکار، کاری در عرصه سیاست انجام می‌دهیم سکوت نیز به ما فرصت می‌دهد تا کنش سیاسی انجام دهیم. از این رو سکوت همواره با مفاهیم قدرت، اقتدار و کارگزار هم‌نشین بوده است (Glenn, 2004, p.26). در نتیجه سکوت به‌عنوان یک مفهوم چیزی بیشتر از فقدان گفتار و آوا است. معناسازی از طریق سکوت و گفتار (وجوه زبان) همچنین می‌تواند به‌عنوان یک ابزار سیاسی یا فرهنگی ایفای نقش کند. از این رو گفتمان در اشکال سکوت و گفتار به مفهوم توانایی معنادهی زندگی روزمره در مقابل قدرت رسمی، می‌تواند به‌مثابه قدرت و توانایی تحلیل شود (Beville & McQuaid, 2012, p.1). در نتیجه تولید معنا از طریق سکوت و گفتار «بخشی جدایی‌ناپذیر از راهبردهایی است که زمینه شکل‌گیری و نیز نفوذ گفتمان‌ها را فراهم می‌آورد» (Faucult, 2012, p.27). بدین دلیل که سیاست معنا می‌تواند حوزه‌های نفوذ قدرت رسمی را مصادره و به‌تدریج جریان جدیدی از قدرت را تولید و در سطح جامعه منتشر کند. گفتمان شیعه بر اساس چنین منطقی، از پیدایش تا شروع غیبت به دلیل عدم امکان حضور در ساحت رسمی قدرت، ضمن استفاده از راهبرد مبارزه، به‌تناسب موقعیت‌ها و شرایط لازم، از ماهیت سخت و مادی فاصله گرفته جنبه فرهنگی، معنوی و نرم قدرت را نیز مورد توجه قرار داد و از رویکرد تولید معنا به‌مثابه بعد دوم قدرت بهره گرفته است؛ استراتژی که موجب حفظ شیعه به‌عنوان گفتمان مقاومت شد. سوزان‌کین در کتاب قدرت سکوت، نشان می‌دهد که تاکنون چقدر قدرت درون‌گراها، دست‌کم گرفته‌شده و این موضوع چه مقدار به ضرر جوامع تمام می‌شود (کین، ۱۳۹۶، مقدمه). امام‌علی(ع) در توصیف پیامبر(ص) می‌فرماید: «سخنش، بیان(روشنگر) بود و سکوتش، زبان(بامعنا)» (نهج‌البلاغه؛ خطبه ۹۵). در آموزه‌های اسلامی بر اهمیت سکوت و جایگاه والای آن بسیار تأکید شده

است؛ از جمله اینکه در روایات امامان شیعه تأکید کرده‌اند که سکوت برترین عبادت‌هاست (کرباسیان و چناری، ۱۳۹۴، ۱۲۲). سکوت همیشه به معنای کناره‌گیری و خاموشی نیست، بلکه ابزاری است برای تولید قدرت و حفظ آن. سکوت امام علی (ع) در ساحت سیاست رسمی در حقیقت کنشی برای شکل‌گیری یک وجه از گفتمان سیاسی شیعه در مناسبات قدرت حاکم در دنیای اسلام برای قرن‌های متمادی بوده است (اکوانی، ۱۳۹۸، ۱۳۹). از مصدق سکوت در روایات شیعه تقیه است. تقیه یکی از سیاست‌های کاربردی امامان شیعه در زمینه حفظ تشیع و اسلام است. تقیه در برخورد با دولت و خلیفه حاکم، تقیه سیاسی نامیده می‌شود (اکبری و دوستان، ۱۳۹۸، ۹). گاهی تقیه فردی است و گاهی تقیه در مسائل اجتماعی و خصوصا در مسائل سیاسی است که به خود حکومت و حاکمیت برمی‌گردد (فاضل‌هرندی، ۱۳۸۳، ۹۹). امامان شیعه، مؤمنان را به صورت‌های مختلفی ترغیب می‌کنند که از متن جامعه جدا نشوند و خود را در حاشیه قرار ندهند (منقری، ۱۳۷۶، ۱۰۲)، زبان خود را حفظ کنند. در واقع تقیه مومنان را به رفتار محافظه‌کارانه و حفظ شرایط موجود فرامی‌خواند (رضوی و پناهی، ۱۳۹۶، ۸۹). امام صادق (ع) در مورد تقیه می‌فرماید: «نگران دین خود باشید و آن را با تقیه پوشیده نگه‌دارید» (کلینی، ۱۳۸۵، ۲۱۷، ج ۲). «چراکه؟ تقیه سپر مؤمن است» (کلینی، ۱۳۸۵، ۲۲۰، ج ۲).

۵. تقوا

در روایات شیعه بسیار به تقوا سفارش شده است. در واقع تقوا معیار جایگاه انسان‌هاست. امام علی (ع) می‌فرماید: «هر که نفس خود را سیاست (تریت) کند، به سیاست کردن [مردم] دست یابد» (محمدری‌شهری، ۱۳۹۲، ۴۳۹، ج ۵). مقصود امام از سیاست نفس همان تقواست. می‌توان گفت توصیه به تقوا اولین گام قرار گرفتن اعضای جامعه در دایره گفتمان مقاومت شیعه است. منظور آن است که هر کس بتواند خود را کنترل کند، می‌تواند مردم را کنترل کند. چراکه حکومت کردن بر مردم یا سوار شدن بر اسب چموش قدرت نیاز به روحی بزرگ و روحیه‌ای قوی دارد. بنابراین این سیاست نفس (تقوا) بخشی از سازوکارهای زندگی روزمره و برساختن میل انسان‌های عضو جامعه است که در این روایت به مثابه منبع قدرت است. امام هادی (ع) در اهمیت تقوای الهی و تأثیر آن در فرمان‌بری دیگران معتقد بودند هر که خدا را اطاعت کند، دیگران از او اطاعت خواهند کرد و هر که مطیع آفریدگار باشد، باکی از خشم آفریدگان نخواهد داشت (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ۴۸۲). این نکته برای حاکمان و کسانی که به دنبال اطاعت مردم در راستای تقویت حکومت خود هستند امری حائز اهمیت است. تقوای الهی،

سبب می‌شود که انسان، خداوند را مدنظر داشته باشد و کرامتی را که او به وی عطا نموده است از یاد نبرد. امام علی(ع) در همین مورد می‌فرماید: «هنگام کسب قدرت، قدرت خدا را به یادآور که چگونه بر تو سلطه دارد» (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۱، ۵۴۶، ج ۶). لذا تقوا صاحبان قدرت را از ظلم می‌راند و به سمت عدالت‌طلبی سوق می‌دهد. آن‌ها دیگر پیروی هوای نفس و سیاست‌های شیطانی نخواهند بود و همین امر باعث تقویت پایه‌های قدرت و اقتدار نظام سیاسی می‌شود.

تقوا در روایات شیعه همچنین یکی از سپرهای محکم در برابر نامالایمات روزگار است، خداوند حافظ باتقوایان است و از آنان در برابر دشمنانشان نگهداری می‌کند. بنابراین تقوا برای حاشیه‌ای شدگان قدرت رسمی نیز منبع قدرت است. از شیخ صدوق نقل شده: امام جواد(ع) «تقی» نامیده شد، چون او تقوای الهی را رعایت کرد. پس خداوند نیز او را از شر مأمون حفظ و نگهداری کرد» (ابن بابویه، ۱۳۸۹، ۶۵). تقوا نگاه‌دارنده انسان از شر درونی و بیرونی است. انسان‌های باتقوا چون خدا را اطاعت می‌کنند قدرتشان فزونی میابد امام علی(ع): در روایتی به خوبی تقوا را برای ما شرح می‌کند: «پرهیزکاری {تقوا} برای کسی که به آن پناه برد، قلعه‌ای است استوار» (رسولی‌مجلاتی، ۱۳۹۲، ۴۰۲، ج ۲). این روایت به زیبایی وجه معنا ساز تقوا را برای کسانی که در تعارض با گفتمان سیاسی مسلط هستند معرفی می‌کند. تقوا دلالت ضمنی بر قدرت مقاومت دارد، چون تعبیر به قلعه و پناهگاهی برای پرهیزکاران شده است. تمثیل قلعه بدین معناست که مؤمنین در زندگی روزمره پشت این دژ مستحکم از بلاها و دشمنان درامان‌اند. بنابراین تقوا بعد مهمی از هویت مقاومت است و می‌تواند متقی را از دایره نفوذ قدرت رسمی حفظ کند یا اگر در مسند قدرت رسمی باشد قلوب دیگران را فتح کند.

۶. جماعت‌گرایی

از دیگر منابع فرهنگی قدرت در روایات شیعه مقوله جماعت‌گرایی است. امامان شیعه همواره پیروان خود را به همبستگی در مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی توصیه می‌کردند. حتی در برخی مواقع به جماعت بودن دستور سریع اسلام است. مثلاً در نماز و حج. نماز جماعت یکی از برجسته‌ترین احکام اجتماعی اسلام است که می‌توان آن را به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در نظر گرفت. نماز جماعت تقویم بخش روابط خاصی میان اعضاء جامعه اسلامی است. روایات بسیاری که در مورد پاداش برپایی نماز جماعت، شرایط و احکام اقامه نماز و ویژگی‌های امامان جماعت وارد شده، همه از اهمیت اقامه نماز به جماعت حکایت دارد و نشان‌دهنده تأثیرگذاری والای این فریضه در اصلاح امور اجتماع مسلمانان

است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس برای شرکت در نماز جماعت به سوی مسجد گام بردارد، برای هر قدمی هفتاد هزار حسنه برایش نوشته می‌شود و در بهشت به همان اندازه، درجۀ رفعت و منزلت خواهد داشت» (تویسرکانی: ۱۳۷۴، ۱۹۶). امام کاظم (ع) نیز می‌فرماید: «نماز خواندن در صف اول جماعت، همانند جهاد در راه خداوند متعال است» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۵، ۳۸۷). اقامه نماز جماعت در جامعه دینی از کارکردهای قدرتمندی برخوردار است که ارتباطات میان اقشار جامعه را تقویت نموده و آنان را برای تعاملات گسترده‌تر با یکدیگر و تقویت اتحاد و انسجام درونی و اتکای به نفس مهیا می‌سازد. در واقع بسط روابط مذهبی و اجتماعی که در نتیجه حضور در نماز جماعت و مسجد حاصل می‌شود، موجب شکل‌گیری قدرت‌متعالی در جامعه اسلامی خواهد شد (شجاعیان، طیب‌حسینی و لطفی، ۱۴۰۰، ۲۵۲). در واقع نماز جماعت یک اجتماع سیاسی است که موجب بسط ارزش‌های دینی در میان مردم و رواج آن‌ها در افکار عمومی و زیست اجتماعی مردم می‌شود، بنابراین تقویت‌کننده بنیان‌های قدرت محسوب می‌شوند.

۷. زیارت

زیارت یکی دیگر از ارزشهای فرهنگی و جمع‌گرایانه شیعه است که در روایات به‌کرات توصیه شده است. فرهنگ زیارت از دو جهت معنا ساز است. اولاً تجمع شیعیان در مکانی مشخص که سبب همبستگی شده و ثانیاً یادآوری و بازتولید شعائر و ارزشها، که مانع از فراموشی گفتمان شیعه و در نهایت باعث بازتولید قدرت شیعه می‌شود. امام رضا (ع) می‌فرماید: «همانا هر کس مرا در غربت من زیارت کند، خداوند برای او پاداش صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حاج و معتمر و صد هزار مجاهد می‌نویسد و در زمره ما محشور می‌شود و در درجات بالای بهشت جایگزین می‌شود» (فتال‌نیشابوری، ۱۳۶۶، ۳۸۳). امام (ع) در جای دیگر می‌فرماید: «دوست‌داران و شیعیان هر امامی را با او عهدی است، و تمامت وفای به عهد و نیکویی انجام دادن آن، زیارت قبر ایشان است» (حرعاملی، ۱۳۷۰، ۳۲۲، ج ۱۴). امام رضا (ع) مردم را تشویق می‌کند که به زیارتش در دیار غربت بروند. مزار این امام شریف در قرون بعدی به مرکز انتشار روایات و بازتولید قدرت شیعه تبدیل شد. بنابراین در احادیث شیعه زیارت به‌عنوان یکی از رفتارهای زندگی روزمره و منابع معنایی قدرت مورد توجه قرار گرفته است. تأکید بر زیارت در زندگی روزمره نشان می‌دهد امامان شیعه برای حفظ شیعیان در شرایطی از قیام و استفاده از بعد سخت قدرت فاصله گرفته و برای پیشبرد اهدافشان از قدرت معنا بهره جستند. امامان شیعه مکرراً شیعیان را

سفارش به زیارت امام حسین (ع) کرده‌اند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسی که به زیارت قبر امام حسین (ع) نرود و خیال کند که شیعه ما است و باین حال و خیال بمیرد او شیعه ما نیست و اگر هم از اهل بهشت باشد از میهمانان اهل بهشت خواهد بود» (محمدری شهری و دیگران، ۱۳۸۸، ۴۷۰، ج ۱۰). زیارت علاوه بر آثار تربیتی و اخلاقی که دارد، روحیه‌ی ظلم‌ستیزی و مقاومت را در حفظ و تقویت می‌کند. علی‌رغم ممنوعیت‌هایی که از سوی خلفای اموی و عباسی نسبت به زیارت کربلا انجام می‌گرفت، امامان شیعه پیوسته به آن تشویق و توصیه می‌کردند و آن را یکی از نشانه‌های وفای به عهد و بیعت شیعه با ائمه (ع) می‌دانستند. امام صادق (ع) در کوچک‌ترین شرایطی که پیش می‌آمد، مجلس روضه برگزار می‌کردند. آن حضرت خطاب به مردم کوفه که برای امام حسین (ع) نوحه‌سرایی می‌کردند می‌فرماید: «هر جزع و گریه‌ای مکروه است غیر از جزع و گریه از برای امام حسین» (شیخ‌طوسی، ۱۳۸۸، ۱۶۱، ج ۱). علی‌رغم فشارها و محدودیت‌های شدید سیاسی و امنیتی از سوی حکومت، امامان شیعه احیای فرهنگ عاشورا را به‌عنوان راهبرد برای جامعه اسلامی در عصر غیبت ارائه نمودند تا مسلمانان در برابر ظلم و ستمگری ظالمان ایستادگی نموده و از حقوق خود و سایر مسلمانان دفاع نمایند (معصومی، ۱۳۹۹). لذا زنده نگه‌داشتن فرهنگ عاشورا به‌عنوان یکی از ارزشهای فرهنگی شیعه یکی از مهم‌ترین محور تعامل در زندگی روزمره است که ضمن معناسازی مداوم قدرت شیعه را تثبیت کرده است.

نتیجه‌گیری

روایات شیعه به مثابه بستر اصلی تمدن‌سازی اسلامی دربرگیرنده تمام راه و رسم‌های زندگی روزمره است و برای همه تعاملات روزمره انسان‌های عضو جامعه دستور کار دارد. معنای توجه به همه تعاملات روزمره انسان‌ها در روایات شیعه این است که در گفتمان شیعه زندگی روزمره محل اصلی برساخت فرهنگ و منازعه معنایی است. از نظر نظریات متأثر از چرخش فرهنگی تعاملات انسان‌ها در زندگی روزمره به دلیل همین ماهیت تولید معنا، محل رابطه قدرت نیز محسوب می‌شود. به بیان دیگر معناسازی و معنایابی محل تولید و انتشار قدرت نیز هست. ارزشهای فرهنگی در تعاملات روزمره انسان‌ها نحوه تجربه شدن زندگی را مشخص می‌کند و از نظر معناگرایان آنچه که نحوه زیسته شدن و تجربه شدن زندگی را مشخص می‌سازد، از ظرفیت اعمال قدرت نیز برخوردار است. روایات شیعه ارزشهای فرهنگی متعددی را به جامعه شیعیان معرفی می‌کنند که کارکرد آن‌ها مشخص‌سازی نحوه زیسته شدن یا تجربه

شدن زندگی را تعریف کند. در روایات شیعه آنچه نحوه تجربه شدن را تعیین می‌کند نظام ارزش‌ها و باورها یا همان فرهنگ است. در روایات متعددی از امامان شیعه شمار زیادی از ارزشهای فرهنگی برای بهره‌گیری اعضای جامعه اسلامی در مسیر تمدن‌سازی اسلامی معرفی شده است که ضمن سامان دادن رفتارهای جمعی به عنوان منبع تولید قدرت برای گفتمان شیعه عمل می‌کنند. ارزشهایی چون اخلاق، علم و دانش، دعا، توکل، زبان، تقوا. هرکدام از این ارزش‌ها بخشی از زندگی روزمره اعضای جامعه را معنادهی می‌کند. این ارزش‌ها مجموعه‌ای از انتخاب‌ها در اختیار فرد مسلمان قرار می‌دهد تا در شرایط متفاوت از آنها برای مشارکت در زندگی جمعی بهره‌گیرد. به ویژه در شرایطی که شیعیان پس از شهادت امام‌علی(ع) و امام‌حسین(ع) به شدت تحت ظلم و ستم بوده‌اند، ارزشهای فرهنگی مورد تأکید در روایات به عنوان منبع مهمی برای تولید قدرت فردی و جمعی عمل کرده؛ زیست روزمره انسان شیعه را معنادهی کرده و مانع از هژمونی نظام‌معنایی گفتمان سیاسی رسمی می‌شده است. به بیان دیگر ارزشهای فرهنگی شیعه مجموعه‌ای از پراکنش‌ها بوده‌اند و کارویژه آنها جامعه‌پذیری مداوم و انتقال ارزش‌ها و هنجارها بوده است که همچون فرایندی مداوم زندگی روزمره را از معنا پر می‌کند، گفتمان مقاومت در شرایط سخت و دشوار را صورت‌بندی و مانع از شکل‌بندی فضای اجتماعی به نفع قدرت مخالف ارزشهای شیعه و جریان‌های تمدنی غیر اسلامی می‌شده است.

فهرست منابع

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴ق). جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه (ج ۲۰)، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۹). معانی الاخبار. (حمیدرضا شیخی، مترجم). ناشر: فکر آوران.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.
- اکبری، ندا؛ مرتضوی، سید محمد و اکرمی، ایوب (۱۳۹۸). شاخصه‌های شناخت روایات تقیه سیاسی. علوم قرآن و حدیث. ۱۰۳، ۲۶-۹.
- اکوانی، حمداله (۱۳۹۸). سیاست معنا در گفتمان شیعه. مطالعات انقلاب اسلامی. ۵۸، ۱۳۵-۱۵۴.
- انصاریان، حسین (۱۳۹۷). دعا سلاح مؤمن. برگرفته از کتاب عرفان اسلامی. پایگاه اطلاع رسانی استاد حسین انصاریان. به آدرس: <https://www.erfan.ir/farsi/56413.html>
- امامی فر، سید نظام‌الدین (۱۳۸۸). نقد نشانه‌شناسی کابردی. نشریه کتاب ماه هنر.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۹۸). نشانه‌شناسی؛ نظریه و روش. پژوهشنامه علوم سیاسی. ۲۰، ۷-۴۰.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۰). شرح غررالحکم و دررالکم (ج ۱)، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری. تهران: دانشگاه تهران.
- تویسرکانی، محمدنبی (۱۳۷۴). لثالی الاخبار (ج ۴)، ناشر: جهان.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۱). گزیده حیات سیاسی و فکری امامان شیعه. قم: دفتر نشر معارف.
- حدیدی، حسین (۱۳۹۹). تجلی قدرت متعالی در دعاهای صحیفه سجادیه. مطالعات قدرت نرم. ۲ (۲۳)، ۲۰۷-۱۷۹.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعه (ج ۱۱)، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه (ج ۵)، ناشر: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۰). وسائل الشیعه (ج ۱۴)، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- رضوی، رسول؛ پناهی، علی (۱۳۹۶). بررسی تقابل تبری و تقیه با تکیه بر آیات و روایات. نشریه امامت پژوهی. ۲۱، ۸۹-۱۱۴.
- شجاعیان، محمد؛ طیب حسینی، سید محمود و لطفی، فاطمه (۱۴۰۰). نماز جماعت و قدرت نرم جامعه اسلامی. سیاست متعالیه. ۳۳، ۲۴۶-۲۶۲.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۳۱ق). منیة المرید. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸). امالی شیخ طوسی (ج ۱)، ترجمه صادق حسن‌زاده. قم: اندیشه هادی.

- صنم یار، معصومه (۱۳۸۱). ابعاد سیاسی - اجتماعی سیره امام صادق (ع) «در مبارزه با خطوط انحرافی و الحادی». همایش امام جعفر صادق (ع) و تجدید حیات اسلام. ۲۷۵-۲۵۳.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۹۲). مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار. ترجمه مهدی هوشمند و عبدالله محمدی. ناشر: دارالتقلین.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۳). تاریخ طبری (ج ۲)، ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۶۶). روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ج ۱)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نشرنی.
- فاضل هرنندی، محی الدین (۱۳۸۳). تقیه سیاسی. علوم سیاسی. ۲۵، ۹۷-۱۱۰.
- فقهی زاده، عبدالهادی؛ واعظی، محمود و خطیریان، سمانه (۱۳۹۳). کارکردهای معنوی توکل به خدا در قرآن و روایات. بصیرت و تربیت اسلامی. ۳۰، ۱۸-۱.
- قربی، سید محمد جواد؛ حیدری، منصور (۱۳۹۷). فرهنگ و قدرت نرم؛ مطالعه منابع فرهنگی قدرت نرم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. راهبرد اجتماعی فرهنگی. ۲۶، ۱۹۶-۱۵۱.
- کرباسیان، فاطمه؛ چناری، مهین (۱۳۹۴). جایگاه زبان سکوت در تربیت دینی. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. ۵، ۱۲۱-۱۴۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱ ق). اصول کافی (ج ۸)، بیروت: دارالتعارف المطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). اصول کافی (ج ۶)، ترجمه سید جواد مصطفوی. تهران: اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۵). اصول کافی (ج ۲)، ترجمه صادق حسن زاده. تهران: قائم آل محمد.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۲). اصول کافی (ج ۱)، ترجمه حسین استادولی. تهران: دارالتقلین.
- کین، سوزان (۱۳۹۶). قدرت سکوت. ترجمه ناهید سپهرپور. ناشر: نشر نوین.
- لیثی واسطی، علی بن محمد؛ حسینی بیرجندی، حسین (۱۳۷۷). عیون الحکم والمواعظ. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ ق). بحار الأنوار (ج ۵۵)، چاپ سوم. ناشر: اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۵). بحار الأنوار (ج ۷۱)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۸). بحار الأنوار (ج ۲)، چاپ ششم. ناشر: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۸). بحار الأنوار (ج ۱)، ناشر: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۸). میزان الحکمه با ترجمه فارسی (ج ۱۰)، ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۲). دانش‌نامه امیرالمؤمنین (ع) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (ج ۱۱)، (مهدی‌مهریزی، مترجم). قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸). میزان‌الحکمه با ترجمه فارسی (ج ۴)، ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۹). میزان‌الحکمه با ترجمه فارسی (ج ۱۳)، ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۹۱). میزان‌الحکمه با ترجمه فارسی (ج ۶)، ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۹۲). میزان‌الحکمه با ترجمه فارسی (ج ۵)، حمیدرضا شیخی. قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مدنی، سیدعلیخان (۱۴۰۳ق). ریاض‌السالکین فی شرح صقیفه سید الساجدین (ج ۴)، ناشر: موسسه آل‌البیت.
- معصومی، سیدابراهیم (۱۳۹۹). راهبردهای سیاسی زنده نگه‌داشتن عاشورا توسط امام‌باقر (ع) و امام‌صادق (ع). خبرگزاری دانشجویان. به آدرس: <https://snn.ir/fa/news/872585/>
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۹۶) {حکمت ۳۹۲}. زبان؛ نشان شخصیت انسان. برگرفته از پیام امام امیرالمؤمنین. به آدرس: <https://ahlolbait.com/article/18850/>
- منقری، نصرین مزاحم (۱۳۷۶). وقعه صفین. (عبدالسلام هارون، محقق). قم: مکتبه‌المرعشی نجفی.
- موسی‌پور، میثم (۱۳۹۳). روش نشانه‌شناسی سوسوری. ارتباطات نوین. به آدرس: <http://meysammoosapour.blogfa.com/post/39>
- مهاجریان، محسن (۱۳۹۶). فلسفه‌ی سیاسی امام‌رضا (ع). پرسمان دانشگاهیان. به آدرس: <https://www.porseman.com/!149516>
- نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت در عصر اطلاعات (از واقع‌گرایی تا جهانی شدن). (سعید میرترابی، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نصرتی، علی‌اصغر (۱۳۸۳). نظام سیاسی اسلام. قم: نشرهاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران)
- نعمتی، لیلا؛ محمدی، لیلا (۱۳۹۵). نقش نماز جماعت منظم و مستمر در سازندگی روحی و معنوی جوانان. مطالعات روانشناسی در علوم تربیتی. ۲(۲۱۲)، ۲۶۵-۲۴۶.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۸۶). قدرت فکر و دعا. مطالعات قرآنی نامه جامعه. ۴۲، ۵۵-۵۰.

- هال، استوارت (۱۳۹۱). معنا، فرهنگ و زندگی روزمره. (احمد گل محمدی، مترجم). تهران: نشر نی.
- هیندرس، باری (۱۳۹۰). گفتارهای قدرت. از هابز تا فوکو. (مصطفی یونسی، مترجم). تهران: شیرازه.
- Beville, M., & McQuaid, S. D. (2012). Speaking of Silence: Comments from an Irish Studies Perspective. *Nordic Irish Studies*, 1-20.
- Foucault, M. (2012). *The history of sexuality, vol. 2: The use of pleasure*. Vintage.
- Glenn, C. (2004). *Unspoken: A rhetoric of silence*. SIU Press.
- Morley, D. (2003). *Television, audiences and cultural studies*. Routledge.